

شاخص‌های نظام ولایی در اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای

ایوب پورقیومی^۱

چکیده

نظام ولایی به عنوان الگوی حکمرانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، در اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای جایگاه ویژه‌ای دارد. این پژوهش، شناسایی و تبیین شاخص‌های این نظام در اندیشه ایشان را به عنوان مسئله اصلی دنبال نموده و با این سؤال اصلی که شاخص‌های اصلی نظام ولایی در اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای کدامند و چگونه تبیین می‌شوند، بحث را دنبال نموده است. با هدف ارائه تصویری جامع از ویژگی‌های نظام ولایی بر اساس دیدگاه‌های قرآنی رهبر معظم انقلاب اسلامی، روش توصیفی-تحلیلی مبنا قرار گرفته و از منابع کتابخانه‌ای، به ویژه بیانات و آثار امام خامنه‌ای، بهره‌گیری شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شاخص‌های اصلی نظام ولایی در اندیشه ایشان شامل: خاستگاه الهی حکومت، معیارهای صلاحیت حاکمیت، مردم‌سالاری دینی، اصول حکمرانی اسلامی و ویژگی‌های منحصر به فرد این نظام است. این شاخص‌ها، ضمن تأکید بر پیوند دین و سیاست، بر نقش مردم و پاسخگویی حکومت نیز تأکید دارند.

واژگان کلیدی: نظام ولایی، اندیشه‌های قرآنی، امام خامنه‌ای، حکمرانی اسلامی، مردم‌سالاری دینی.

۱- استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه جامع امام حسین؛

مقدمه

نظام ولایی به عنوان یکی از بنیادین‌ترین مفاهیم در اندیشه سیاسی اسلام، نقشی محوری در تبیین الگوی حکمرانی اسلامی ایفا می‌کند. این نظام، با تکیه بر آموزه‌های الهی و وحیانی، ساختاری ارائه می‌دهد که در آن حاکمیت نه تنها بر اساس صلاحیت‌های مدیریتی، بلکه بر پایه معیارهای دینی، اخلاقی و الهی تعریف می‌شود. در این میان، امام خامنه‌ای (مدظله) با بهره‌گیری از منابع قرآنی و فهم عمیق از مبانی دینی، تلاش کرده‌اند تصویری جامع، منسجم و کاربردی از نظام ولایی ترسیم کنند؛ تصویری که هم در نظریه‌پردازی و هم در عمل سیاسی جمهوری اسلامی ایران تجلی یافته است.

اهمیت پرداختن به این موضوع از آن جهت است که نظام ولایی در اندیشه‌های قرآنی رهبر انقلاب اسلامی، تنها یک مدل سیاسی صرف نیست، بلکه الگویی تمدنی است که ظرفیت هدایت و سامان‌دهی جامعه اسلامی در شرایط پیچیده و متحول کنونی را دارد. با توجه به چالش‌های نظری و عملی پیش‌روی جوامع اسلامی در حوزه حکمرانی، و نیز لزوم ارائه الگوهای بومی و الهام‌گرفته از تعالیم دینی، شناخت دقیق شاخص‌های این نظام می‌تواند نقش بسزایی در ارتقای گفتمان دینی-سیاسی و بازسازی ساختارهای حکومتی بر اساس آموزه‌های قرآنی ایفا کند.

از سوی دیگر، ضرورت انجام این پژوهش در خلأ موجود در فضای علمی کشور نسبت به تحلیل منظومه‌وار و قرآنی نظام ولایی در اندیشه‌های امام خامنه‌ای نهفته است. با وجود گستره قابل توجهی از بیانات، خطبه‌ها، پیام‌ها و آثار ایشان در باب حکومت اسلامی، تاکنون تلاشی جامع برای استخراج نظام‌مند شاخص‌های ولایی از منظر قرآنی صورت نگرفته است. این امر موجب شده است که در بسیاری از تحلیل‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، مفاهیم بنیادین این نظام دچار سطحی‌نگری یا سوءتعبیر شوند.

بنابر این مسئله در این پژوهش ناظر بر این واقعیت است که در فضای علمی و راهبردی کشور، فقدان چارچوبی مشخص، مبتنی بر مبانی قرآنی و برگرفته از اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب در زمینه نظام ولایی، موجب شکل‌گیری برداشت‌های ناهماهنگ از حکمرانی اسلامی شده است. این مسئله، نه تنها در فهم درست اصول ولایت و حکمرانی دینی خلل وارد کرده، بلکه مانع از تحقق کامل مردم‌سالاری دینی و تبیین ویژگی‌های متمایز نظام اسلامی در برابر سایر نظام‌های سیاسی گردیده است. از این رو، تبیین علمی و دقیق شاخص‌های نظام ولایی بر مبنای اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای، ضرورتی بنیادین در راستای تعمیق نظریه نظام اسلامی و کاربردی‌سازی آن در عرصه‌های مختلف حکمرانی به شمار می‌آید.

۱- مبانی نظری

۱-۱- چارچوب نظری

نظام ولایی در اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله) بر مبانی قرآنی، فطری و عقلانی استوار است و تفاوت ماهوی با سایر نظام‌های سیاسی دارد. این چارچوب نظری با هدف تبیین شاخص‌ها و مؤلفه‌های اصلی نظام ولایی، مبتنی بر تحلیل اندیشه‌های قرآنی معظم‌له تنظیم می‌شود. چارچوب نظری نظام ولایی مبتنی بر موارد زیر است:

۱- خاستگاه الهی و قرآنی:

نظام ولایی برخلاف نظام‌های مبتنی بر قرارداد اجتماعی، ریشه در وحی الهی و آموزه‌های قرآنی دارد و مشروعیت خود را از خداوند و شریعت می‌گیرد، نه صرفاً از اراده مردم.

۲- امامت و ولایت:

در اندیشه امام خامنه‌ای، امامت و ولایت به معنای پیشوایی روحی، معنوی و پیوند عاطفی و اعتقادی با مردم است؛ نه سلطه‌گری و قدرت‌طلبی.

۳- صلاحیت و معیارمحوری:

شرط اصلی تصدی ولایت، برخورداری از صلاحیت‌های انسانی و الهی مانند علم، تقوا، عدالت و... است. هرگونه عدول از این معیارها، مشروعیت ولایت را ساقط می‌کند.

۴- مردمسالاری دینی:

نظام ولایی با تأکید بر نقش مردم در تشکیل، تداوم و نظارت بر حکومت، مردمسالاری را در چهارچوب ارزش‌های الهی و معیارهای اسلامی معنا می‌کند. مردم در این نظام، نقش اساسی در انتخاب و حمایت از حاکم دارند.

۵- کارآمدی و تطبیق با فطرت:

شاخص‌های نظام ولایی باید با فطرت انسانی و نیازهای واقعی جامعه سازگار باشد و کارآمدی آن در عرصه نظر و عمل اثبات شود.

شاخص‌های کلیدی نظام ولایی در اندیشه امام خامنه‌ای عبارتند از: الهی بودن منشأ و مشروعیت حکومت، محوریت معیارها و صلاحیت‌های اخلاقی و دینی، مردمی بودن و نقش‌آفرینی مردم در همه سطوح، التزام به عدالت و رعایت حقوق عمومی، پیروی از آموزه‌های قرآنی و ارزش‌های اسلامی در سیاست‌گذاری و اجرا. بر اساس این چارچوب، نظام ولایی در اندیشه امام خامنه‌ای، نظامی است که با اتکا به مبانی قرآنی و فطری، بر سه اصل مشروعیت الهی، صلاحیت و مردمسالاری دینی استوار است و شاخص‌های آن در پیوندی عمیق با آموزه‌های وحیانی و نیازهای واقعی جامعه اسلامی تعریف می‌شود.

۱-۲- مفهوم‌شناسی نظام ولایی

در مفهوم لغوی نظام به نخی گفته می‌شود که مهره‌ها یا دانه‌ها را به نظم می‌کشد و به هم پیوسته می‌کند. از این رو امام علی (ع) می‌فرماید: مَكَانُ الْقِيمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النَّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ، يَجْمَعُهُ وَ يَضُمُّهُ، فَإِنْ انْقَطَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ وَ ذَهَبَ، ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَذَافِيرِهِ أَبَدًا (حبیب‌زاده و پناهی‌آزاد، ۱۴۰۲: ۸۹). برای مفهوم ولایت نیز، در کتاب‌های لغت معانی مختلفی مانند محبت، نصرت، سرپرستی، قرب و ... (ر.ک؛ فیومی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲: ۶۷۲) بیان شده است که به نظر می‌رسد کاربرد معنای سرپرستی در بحث زعامت سیاسی و حکومت، طرفداران بیشتری دارد؛ که این امر با معنای حکومت نیز یکسان است (ر.ک؛ منتظری، ۱۴۰۹ ق، ج ۱: ۱۰۸). بنابراین می‌توان گفت که نظام ولایی «نوعی ولایت مدیریتی بر جامعه اسلامی است که به منظور اجرای احکام و تحقق ارزش‌های دینی و شکوفا ساختن استعدادهای افراد جامعه و رساندن آنان به کمال و تعالی در خور خویش است» (خاتمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۴). نظام ولایی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای نظامی است که در آن، رهبری جامعه بر اساس شایستگی‌های علمی، تقوا و عدالت، و با محوریت ولایت فقیه اعمال می‌شود. در این نظام، حاکمیت و ولایت از آن خداوند است و او این حق را از طریق پیامبران و امامان معصوم و سپس فقیهان عادل و آگاه به مقتضیات زمان، اعمال می‌کند (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۰۴/۲۰). در اندیشه تفسیری رهبر معظم انقلاب که در ذیل آیات "يَسْجُدُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ" و "قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ"^۲ بیان شده است، عالم مالک و صاحب و آفریننده و مدبر دارد و ما هم جزو اجزاء این عالمیم، لذا بشر موظف است اطاعت کند. این اطاعت بشر به معنای هماهنگ شدن او با حرکت کلی عالم است (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲).

۱-۳- جایگاه نظام ولایی در اندیشه اسلامی

مسأله حکومت یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسائل در منظومه فکری اسلام است. به گونه‌ای که اگر حکومت و ولایت را از دین بگیرند، دین یک مجموعه احکام متفرق و متشتتی خواهد بود که یقیناً نخواهد توانست رسالت اصلی در هدایت و به کمال رساندن انسان‌ها را ایفا نماید (کریمی و شفیعی دارابی، ۱۴۰۳: ۶). به تبعیت از این دیدگاه اصلی‌ترین منبع تغذیه نظام تدبیری ولایی در اندیشه سیاسی شیعه، قوانین و مقررات دینی است. از دیدگاه امام خمینی (ره)، اسلام صرفاً مجموعه دستورالعمل‌های فردی و اخلاقی نیست، بلکه مجموعه‌ای از نظریات و نظامات اجتماعی و سیاسی برای اداره امور عمومی است (امام خمینی ۱۳۸۱: ۷۲-۱۲). از دیدگاه ایشان حاکمیت مطلق (إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ)^۳ و تدبیر امور سیاسی (أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ)^۴ از آن خداوند است. از منظر ایشان حاکمیت و ولایت سیاسی در عصر حضور به معصوم؛ و در عصر حرمان از معصوم، به فقیه جامع الشرایط به همراه رضایت مردم واگذار شده است (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۵۷۰). از دیدگاه ایشان حاکم اسلامی در چارچوب اسلام ولایت دارد (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۵۲). فراتر از

۱. سورة مبارکه حشر، آیه ۲۴

۲. سورة مبارکه فصلت، آیه ۱۱

۳. سورة مبارکه انعام، آیه ۵۷.

۴. سورة مبارکه اعراف، آیه ۵۴.

قوانین شرعی هیچ کس ولایت ندارد؛ حتی پیامبر اکرم (ص) هم در چارچوب قوانین وحیانی و اذن الهی ولایت و حاکمیت داشته است (مقیمی، ۱۳۹۹: ۶۵).

۱-۴- رابطه قرآن و حکومت در اندیشه امام خامنه‌ای

بر پایه اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) تمامی مؤلفه‌های برپایی حکومت شایسته در جوامع اسلامی را می‌توان از قرآن کریم استخراج، تفسیر و استنباط نمود. ایشان در پیامی فرموده‌اند: «همه چیز برای یک زندگی شایسته اجتماعی در قرآن هست. از معرفت ذهنی تا شیوه‌های عملی و از عقیده راهنما و حرکت بخش و بسیج کننده تا نظام‌های گوناگونی که بخش‌های مختلف یک زندگی اجتماعی را تشکیل می‌دهند و از تحلیل گذشته تاریخ بشرت پیش‌گویی آینده آن. امروز فلسفه‌ها و ایدئولوژی‌های گوناگون مادی به بن-بست‌های ذهنی و عملی رسیده و از جذب و بسیج نیروی‌های انسانی ناتوان شده‌اند، اکنون نوبت حاکمیت قرآنی است که خلاء موجود در ذهن و عمل انسان‌ها را پر کند؛ ی تحقق وعده قرآنی "... لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ" را بشارت دهد (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۲/۱۱/۱۶).

آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: «حاکمیت دین را قرآن به صورت روشن بیان کرده؛ واقعاً اگر کسی این را انکار کند، حاکی از این است که در قرآن تدبیر درست نکرده. از طرفی قرآن اعلام می‌کند، آیه شریفه سوره نساء است که «مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ»؛ پیغمبران را فرستادیم برای اینکه مردم از اینها اطاعت کنند؛ خب در چه چیزی اطاعت کنند؟ موضوع اطاعت پیغمبران چه چیزهایی است؟ صدها آیه قرآن این موضوع را بیان می‌کند؛ مثلاً آیات جهاد؛ آیات مربوط به اقامه قسط، آیات مربوط به حدود و مجازات‌ها، آیات مربوط به معاملات و قراردادهای، آیات مربوط به قراردادهای بین‌المللی -وَأِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ^۳- تا آخر؛ اینها یعنی حکومت؛ این آیات نشان می‌دهد که در این موارد بایستی از رسول اطاعت بشود؛ در مسأله دفاع از کشور، در مسأله اجرای حدود، در مسأله معاملات و قراردادهای اجتماعی، در مسأله قرارداد با کشورهای دیگر، در مسأله اقامه قسط و اقامه عدل، ایجاد عدل در جامعه؛ در اینها باید از پیغمبر اطاعت بشود؛ این یعنی حکومت؛ معنای حکومت غیر از این نیست. حاکمیت اسلام با این وضوح در قرآن منعکس و روشن است.» (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۰۳/۱۴).

۲- شاخص‌های نظام ولایی در اندیشه امام خامنه‌ای

از اصلی‌ترین ارکان منظومه فکری و سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون حکومت اسلامی و الزامات آن، موضوع حاکمیت و منشا آن می‌باشد. حکومت اسلامی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به معنای مجموعه کارگزاران، قوا و نهادهایی است که در اداره کشور نقش دارند. این دولت، ماهیتی کاملاً دینی

۱. سوره مبارکه توبه، آیه ۳۳

۲. سوره مبارکه النساء آیه ۶۴

۳. سوره مبارکه التوبه آیه ۱۲

(اسلامی) دارد و با الگوگیری از دولت نبوی و دولت علوی و متناسب با شرایط امروز شکل می‌گیرد و دارای ویژگی‌ها، شاخص‌ها و وظایف مهمی است که باید از عهده آنها برآید (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴):

۲-۱- خاستگاه الهی حکومت

بر اساس دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مطلق حاکمیت و حاکمیت مطلق بر انسان‌ها، حق بی‌چون و چرا و اختصاصی خداوند است (موسوی و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۲). از منظر ایشان، این اصل، به دلیل وضوح آن نزد مسلمین «امری طبیعی است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴: ۵۹۱) و دلیل این انحصار حق حاکمیت در خداوند این است که «در اسلام، سرپرستی جامعه، متعلق ... و مخصوص خدای متعال است که خالق، منشأ و عالم به مصالح و مالک امور انسان‌ها، بلکه مالک امور همه ذرات عالم وجود است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۰۴/۲۰). همچنین رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «فقه اسلامی، هیچ امری از امور زندگی بشر را از حکم الهی بیرون نمی‌داند و همه مسائل سیاسی، اقتصادی، فردی و اجتماعی، مشمول حکم الهی است. پس حاکمیت فقیه هم شامل همه امور فردی و امور اجتماعی و امور سیاسی و امور اقتصادی و امور نظامی و امور بین‌المللی و همه چیزهایی است که در قلمرو حکم اسلامی و شرعی است» (مرکز صهبا، ۱۳۹۱، ص ۲۷۰). بنابراین، فقیهی که قلمرو حاکمیت و ولایتش تا این مقدار گسترده و فراگیر است که حتی بر جان و مال مسلمانان ولایت دارد، بدون تردید، ولایتش شرعی و الهی بوده و از اذن و اراده تشریعی خداوند سرچشمه می‌گیرد. رهبر معظم انقلاب نیز در بیانات خود با عبارات گوناگون بر «نصب الهی» بودن گزینش ولی فقیه تصریح کرده است. از جمله در این زمینه می‌فرماید: «در دوران غیبت کبری، هم به حسب حکم قطعی و صریح عقل و هم به حسب ادله اسلامی و شرعی، این ولایت و این حاکمیت، مخصوص است به انسان دین‌شناس، عادل، بصیر به اوضاع و احوال زمان، یعنی فقیه و عرض کردیم که این، سلسله مراتب حکومت الهی و ولایت الهی است و در اینکه امروز شایسته‌ترین افراد برای حکومت، فقیه جامع الشرائط است» (ابراهیم‌زاده آملی، ۱۳۹۴: ۱۰۶).

۲-۲- توحیدمحوری در نظام سیاسی

براساس جهان‌بینی توحیدی اراده هیچ‌کس و انسانی مافوق اراده دیگران قرار ندارد و هر نوع استعمار و استثمار مطرود هر حاکمیتی (غیر حاکمیت خدا) شرک و مردود می‌باشد. بنابراین، این شبهه که نظام ولایی و از جمله ولایت مطلقه فقیه برتر نشانیدن اراده فردی و مستلزم استبداد فردی و دیکتاتوری است و تحقیر مردم را به دنبال دارد، حاکی از آن است که از مبانی توحیدی غفلت کرده‌اند و توجه ندارند که در جهان‌بینی توحیدی هیچ فرد یا گروه و طبقه خاصی، سلطه و حاکمیت بر دیگران ندارد و تنها حکم و قانون الهی حکومت می‌کند و فرمانروایی مختص خدا است و پیامبر و امام و ولی فقیه تنها مبین و مجری قانون الهی می‌باشند. براساس توحید ربوبی حقانیت و مشروعیت هر ولایت و حاکمیتی متوقف بر نصب و اذن الهی است و هیچ انسانی حق سلطه و حکومت بر دیگران را ندارد مگر آنکه به ولایت الهی منتهی

شود (حاجی‌صادقی، ۱۳۸۸: ۲۲۲ و ۲۲۳). بر همین اساس امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) می‌فرمایند: «عبودیت یکسان همه موجودات در برابر خدا مستلزم آن است که هیچ یک از بندگان خدا خودسر و مستقل حقّ تحکّم و فرمانروایی بر بندگان دیگر نداشته باشد (نفی طاغوت) و زمامدار و مدیر و مدبر امور زندگی انسانها فقط کسی باشد که خدا خود به حکومت برگزیده است (یا به شخص مانند امامان معصوم(ع) و یا به علّام و ملاک‌ها مانند حاکم اسلامی در زمان غیبت امام معصوم(ع))» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴: ۳۸). از نظر ایشان «لا اله الا الله» فقط در تصورات و فروض فلسفی و عقلی منحصر و زندانی نمی‌ماند؛ وارد جامعه می‌شود و تکلیف حاکم و محکوم و مردم را معین می‌کند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱۰/۲۹).

۳-۲- پیوند دین و سیاست

در دیدگاه مقام معظم رهبری، اسلام یک دین سیاسی است و دولت نمی‌تواند نسبت به آموزه‌های اسلامی، انفعالی رفتار کند، بلکه در واقع، دولت باید مجری احکام و آموزه‌های اسلامی باشد. مقام معظم رهبری در این رابطه چنین می‌فرمایند: «آن عاملی که در اسلام ضامن اجرای احکام است، حکومت اسلامی و حاکمیت احکام قرآن است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۶ / ۱۰ / ۱۳۷۸). ایشان ضمن نقد سکولاریسم در اسلام، تشکیل نظام اسلامی در ایران معاصر را پدیده‌ای بی‌بدیل برای تاریخ ایران و فرصتی مغتنم برای حکمرانی دینی می‌دانند. همچنین پیوند دین و سیاست را در قالب اسلام سیاسی ذکر کرده و می‌فرمایند: «... معنای اسلام سیاسی این است، اسلام سیاسی؛ یعنی اسلامی که سیاست اداره جامعه را و مدیریت جامعه را برعهده می‌گیرد؛ یعنی اسلام می‌شود مدیر جامعه (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۲/۲۵).

۳- معیارها و صلاحیت‌های حاکمیت

از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی، حاکم و زمامدار در یک نظام سیاسی مطلوب باید حداقل سه شاخصه اصلی را داشته باشد که عبارتند از: «فقاہت»، «عدالت و تقوا» و «توان مدیریتی» (داشتن بینش صحیح سیاسی و اجتماعی) (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۱۰/۰۴).

۳-۱- عدالت و تقوا

اسلام ضمن تأکید بر اهمیت و جایگاه ویژه عدالت، برخورداری از آن را یکی از شروط رهبر و زمامدار جامعه اسلامی قرار داده است (جاویدی و بهروزی‌لک، ۱۳۹۵: ۸۶). از این رو امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) می‌فرماید: اگر زمامدار مزین به صفت عدالت و تقوا نباشد، چه‌بسا برای حفظ مقام خود، حقوق مردم را پایمال کند و حتی ارزش‌ها و مصالح اسلام و مسلمانان را نادیده انگارد. شاخص عدالت برای حاکم و زمامدار جامعه اسلامی آن قدر مهم است که بدون وجود آن، حتی اگر مردم و جامعه سالم و صالح باشند، باز جامعه و حکومت اسلامی رو به پیشرفت نخواهد رفت (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۰۴/۲۰). همچنین ایشان می‌فرمایند: «زیست اسلامی» یعنی چه؟ معنای چگونگی زندگی اجتماعی اسلامی چیست؟ این را در قرآن و در

نهج البلاغه و در روایات می‌شود پیدا کرد. در این الگو، «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۱ وجود دارد، یعنی «عدالت»؛ در این الگو «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ»^۲ وجود دارد، یعنی «مرزبندی با دشمن»؛ در این الگو «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^۳ وجود دارد، یعنی «مهربانی مؤمنین و مردم با یکدیگر»؛ اینها خطوط اصلی است؛ ما از هر کدام از اینها که غفلت کرده باشیم و غفلت بکنیم و زمین بماند، نقصی در الگوی زیست اسلامی به وجود می‌آید. در این الگو «عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ»^۴ هست؛ یعنی حاکم جامعه رنج مردم را با وجود خود، با همه‌ی دل خود درک می‌کند، احساس می‌کند. قرآن می‌گوید «عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ»؛ شما سختی می‌کشید، پیغمبر رنج می‌برد. این از طرف حاکم نسبت به مردم. از طرف مردم هم «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۵؛ مردم هم همراهی می‌کنند، اطاعت می‌کنند، کمک می‌کنند، دنباله‌روی می‌کنند (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۴۰۳/۰۴/۰۵).

۳-۲- علم و آگاهی

در نگاه تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، حکومت اسلامی تجلی حاکمیت الهی و متکی بر قانون الهی است که در آیات قرآن نظیر «إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ»^۶ و «أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ»^۷ مورد تأکید قرار گرفته است. از این‌رو، مجریان چنین حکومتی باید دین‌شناسانی باشند که به کتاب و سنت اشراف داشته و قدرت استنباط احکام الهی از منابع دینی را دارا باشند. فقاقت، به عنوان معیار فهم دقیق احکام، از طریق اجتهاد حاصل می‌شود و شرط لازم برای تحقق حکومت اسلامی است. آیت‌الله خامنه‌ای در کتاب طرح کلی/اندیشه اسلامی در قرآن تصریح می‌کند که ولایت سیاسی نیازمند علم دینی، تعهد اخلاقی و تدبیر اجتماعی است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴).

علاوه بر فقاقت، حاکم اسلامی باید واجد صلاحیت در هدایت جامعه بر مبنای ارزش‌های الهی باشد. این دیدگاه در قالب نظریه "نظام‌سازی" در تفسیر اجتماعی قرآن جلوه‌گر شده که هدف آن تربیت کلان جامعه انسانی و تحقق عدالت اجتماعی است (عینی‌زاده و مؤدب، ۱۳۹۶). از آن‌جا که قانون در نظام اسلامی همان شریعت الهی است، جامعه‌ای که توحید، نبوت و امامت را پذیرفته، ناگزیر باید رهبری را برگزیند که توانایی علمی، ایمانی و مدیریتی لازم برای اجرای احکام الهی را داشته باشد. به تعبیر دیگر، علم و آگاهی دینی رکن بنیادین حاکمیت اسلامی است (رستاقی، ۱۳۹۲؛ پرسمان دانشگاهیان، ۱۳۹۱).

۳-۳- توانایی مدیریت و رهبری

۱. سوره مبارکه الحديد آیه ۲۵

۲. سوره مبارکه الفتح آیه ۲۹

۳. سوره مبارکه الفتح آیه ۲۹

۴. سوره مبارکه التوبة آیه ۱۲۸

۵. سوره مبارکه النساء آیه ۵۹

۶. سوره مبارکه یوسف، آیه ۴۰

۷. سوره مبارکه اعراف، آیه ۵۴

بر اساس اندیشه قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، حاکم اسلامی باید علاوه بر صلاحیت‌های شرعی، دارای ویژگی‌هایی چون تدبیر، قدرت مدیریت، شجاعت، آگاهی به زمان و دشمن‌شناسی باشد. این معیارها در منظومه‌ی فکری ایشان ریشه در آیات قرآن دارد؛ از جمله آیه «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ»^۱ که انتخاب طالوت به رهبری را مشروط به توان علمی و جسمی می‌داند. بر اساس این مبنا، شجاعت، قدرت تصمیم‌گیری، قاطعیت، و احاطه فکری بر مسائل روز و توطئه‌های دشمن، از لوازم رهبری جامعه اسلامی به‌شمار می‌آید، تا امت اسلامی را در مسیر عزت، استقلال و خیر هدایت کند. آیت‌الله خامنه‌ای در طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن تأکید می‌کند که رهبری جامعه اسلامی نیازمند عقل راهبردی، قدرت تشخیص جبهه حق از باطل، و هدایت مؤمنان بر اساس تقوا، علم و حکمت الهی است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴). همچنین در تفسیر دیدگاه سیاسی ایشان از آیات قرآن، تأکید شده که ویژگی‌های طالوت الگوهای برای معیارهای رهبری در نظام اسلامی به‌شمار می‌آید (مؤمنی و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۷).

۴-مردم‌سالاری دینی

در اندیشه قرآنی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مردم‌سالاری دینی مفهومی اصیل و درون‌دینی است که نه از ترکیب صرف «مردم‌سالاری» با «دین» شکل گرفته، بلکه ذاتاً از متن تعالیم اسلامی سرچشمه می‌گیرد. ایشان تأکید می‌کنند که حاکمیت سیاسی در نظام اسلامی متعلق به خداوند است، اما این حاکمیت الهی با ایمان، احساسات و اراده مردم پیوند دارد. این نگاه، مفهومی توحیدی از حکومت را ارائه می‌دهد که در آن، اراده الهی از مسیر خواست مردم مؤمن و مسئولیت‌پذیر تحقق می‌یابد. بر همین اساس، اسلامیت و جمهوریت در نظام جمهوری اسلامی ایران دو مقوله جداگانه نیستند، بلکه جمهوریت در دل اسلامیت نهفته است؛ تکیه به رأی مردم، احترام به خواست عمومی و مشورت، از ارکان همین اسلامیت محسوب می‌شوند. آیه «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»^۲ نشانگر جایگاه مردم در نظام اسلامی است، جایی که حتی پیامبر اسلام مأمور به مشورت با مردم می‌شود؛ این بیان قرآنی، پایه مشروعیت مردمی را در چارچوب حاکمیت الهی بنیان می‌نهد. مقام معظم رهبری در بیانات خود تأکید دارند که جمهوری اسلامی یک مدل اصیل از حکومت دینی مبتنی بر مشارکت مؤمنانه مردم در هدایت، انتخاب و نظارت است. این دیدگاه ضمن نفی الگوی سکولار از دموکراسی، تبیینی از نظامی ارائه می‌دهد که در آن، خواست مردم با هدایت وحی پیوند می‌خورد و حاکمیت دینی با مردم‌سالاری در هم تنیده می‌شود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۰/۱۴ و ۱۳۸۸/۰۵/۱۲).

۴-۱-نقش مردم در تشکیل و تداوم حکومت

۱. سوره مبارکه بقره، آیه ۲۴۷

۲. سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۵۹

هدف از تشکیل حکومت اسلامی، گسترش دین خدا در جامعه، اقامه عدل و رساندن انسان‌ها به مراتب کمال فردی و سعادت اجتماعی است. از نگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، این مسیر تنها از طریق مشارکت مؤمنانه و آگاهانه مردم محقق می‌شود. حضور مردم در صحنه سیاست اسلامی نه فقط یک عنصر ساختاری برای نظام، بلکه تجلی وظیفه «نصرت دین» و «پاسداری از حق» است. در این راستا، قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ»^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یاری‌دهندگان خدا باشید. این آیه از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به معنای دعوت الهی از مؤمنان برای حضور در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، به‌منظور اقامه حکومت اسلامی و استمرار آن است. مشارکت مردم در شکل‌گیری نظام اسلامی، مصداقی از اجابت این دعوت الهی و عمل به مسئولیت ایمانی آنان است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۲/۲۷؛ ۱۳۷۹/۰۹/۱۲؛ ۱۳۹۳/۰۱/۳۰ و ۱۳۹۰/۰۷/۲۴).

۴-۲- خدمت‌رسانی حکومت به مردم

فلسفه وجودی حکومت دینی و حاکمیت اسلامی، برقراری عدالت و خدمتگزاری به مردم، به ویژه، محرومان و پابرهنگان است، تا اینکه تحت حمایت این حاکمیت، زندگی سالمی داشته، در آسایش و امنیت به سر برند؛ ستمی بر آنان روا نشود؛ حقی از آنها ضایع نگردد و به عزت و اقتدار اسلامی برسند. (یوسفیان، ۱۳۸۳: ۲). در راستای همین وظیفه حکومت نسبت به مردم، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) می‌فرماید: «خدمت به خدا» یعنی خدمت به زندگی، مردم و تحقق اهداف الهی؛ چون خداوند نیازی به خدمت ما ندارد. وظیفه اساسی ما، طبق دعاها و دستور دین، احسان به مردم است: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ^۲. امیرالمؤمنین (ع) در غرر/الحکم می‌فرماید: أَحَقُّ النَّاسِ بِالْإِحْسَانِ مَنْ أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ بَسَطَ بِالْقُدْرَةِ يَدَيْهِ^۳. یعنی شایسته‌ترین افراد برای خدمت، کسانی هستند که خداوند به آنها قدرت و اختیار داده؛ مانند مدیران و مسئولان. در جمهوری اسلامی، این فرصت الهی فراهم است که مردم مؤمن مطابق با آیین اسلام خدمت کنند. این، بزرگ‌ترین امتحان الهی ماست و خداوند ما را در آن می‌آزماید (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴۰۲/۰۱/۱۵).

۴-۳- مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها

یکی از ویژگی‌های نظام‌های سیاسی دموکراتیک و مردم‌سالار، اتکا به آرای عمومی و مشارکت مردم در اداره امور کشور است، این حق عمومی در راستای جلوگیری از استبداد حکومتی و به‌دست آوردن آزادی‌های مردمی است. یکی از اساسی‌ترین موضوعات در اندیشه سیاسی- اجتماعی حضرت امام خامنه‌ای که در کارآمدی حکومت اسلامی نقش اساسی دارد، لزوم تعیین سرنوشت مردم از طریق مشارکت سیاسی فعال در همه امور و پشتیبانی مردم در حکومت است. حکومت با نادیده گرفتن این امر مهم از انجام وظایف خود

۱. سوره مبارکه صف، آیه ۱۴

۲. سوره مبارکه النحل آیه ۹۰

۳. غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد آمدی، ص ۳۸۷

ناتوان خواهد بود و دیگر پایدار نخواهد بود. امروزه نقش مردم در حکومت های دموکراتیک انکارناپذیر است (نعیم آبادی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۸۱).

۵- اصول و سیاست های حکمرانی اسلامی

۵-۱- عزت و اقتدار نظام اسلامی

در نظام سیاسی اسلام قدرتی که از مشروعیت الهی برخوردار می شود، نزد شهروندان به عنوان قدرت برحق شناخته می شود که مسبب به حقانیت آن باور و ایمان قلبی دارند و این امر موجب می شود مردم علاوه بر پذیرش و تمکین متعارف سیاسی، نوعی همراهی مبتنی بر باور و اعتقاد قلبی نیز با حاکمیت مبذول دارند که بر اثر آن، تقویت و استحکام نظام سیاسی و افزایش اقتدار آن حاصل می شود. (سنچولی و ابویسانی، ۱۳۹۷: ۱۰۴). مقام معظم رهبری یکی از راه های کسب عزت اسلامی را عمل به آیه شریفه می دانند: «... اینجوری ملت ها باید عزتشان را به دست بیاورند این را هم خود قرآن به ما گفته است: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»^۱، «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»^۲؛ «إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ»^۳. شما خدا را نصرت کنید، دین خدا را نصرت کنید و برای خدا قیام کنید، خدا شما را نصرت خواهد کرد. خدا که نصرت کرد، دیگر همه قدرت ها پوچ اند». به اعتقاد ایشان، اولین گام و حرکت در بازیابی عزت مسلمانان، باور داشتن و اعتقاد عمیق به وعده های الهی است: «اگر وعده های الهی را باور کردیم، آن وقت راه به سوی عزت، به سوی وحدت، به سوی اقتدار در مقابل امت اسلامی باز خواهد شد» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۰/۰۴/۱۴).

۵-۲- حکمت و مصلحت در تصمیم گیری ها

ضرورت بهره بری از حکمت تا آنجاست که مطابق آیه شریفه «ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ»^۴ تصریح می شود که برخی از قوانین و احکام الهی بر پایه مستحکم ترین افکار و اندیشه هایی استوار است که عقل آن را درک و «اگر بشریت تا ابد هم تلاش کند، نمی تواند آن را رد کند؛ هیچ منکری، هیچ مغرضی [و] هیچ معاندی نمی تواند در رد آنها بکوشد» (بیانات امام خامنه ای، ۱۳۷۵/۰۲/۲۶). این ادبیات نشان می دهد که در دفاع از آموزه ها و تعالیم اسلامی و عزت مسلمانان و دولت اسلامی، حکمت نقش اساسی دارد؛ به این معنا که باید در تعاملات اجتماعی؛ مخصوصاً تعامل با سایر دولت ها، الگوریتم و راهبردها به گونه ای تدوین و اجرا گردد که حسب زمان و مکان و شرایط، هیچ نقطه ابهامی نداشته و نقدی بر آن وارد نباشد (درگاهی، ۱۳۹۹: ۱۰۹). می توان گفت که هریک از سنجه های عزت، حکمت و مصلحت، به عنوان اصول بنیادین در عرصه تصمیم گیری و تعاملات بین الملل دولت اسلامی با سایر دولت ها مطرح هستند. این اصول، نه تنها از ضوابط مستفاد از منابع فقه برای کشف، تدوین و تحلیل الگوریتم و راهبردها در تعامل با

۱. سورة مبارکه محمد آیه ۷

۲. سورة مبارکه حج آیه ۴۰

۳. سورة مبارکه آل عمران آیه ۱۶۰

۴. سورة مبارکه اسراء آیه ۳۹

سایر دولتهاست، بلکه در عین حال، به مثابه شرط توأم با راهبردهاست و عزّت در رأس هرم این مثلث و بر پایه دو اصل حکمت و مصلحت استوار است؛ چه اینکه دفاع از عزّت، مستلزم به کارگیری حکمت و مصلحت است. علاوه بر اینکه عزّت و هویتی که از عمل به حکم و مصلحت عمومی حاصل می- شود، همیشگی و پایدار است و منافعی که بدون لحاظ عزّت به دست می-آید، زودگذر و موقتی است (درگاهی، ۱۳۹۹: ۱۱۳).

۵-۳- پاسخگویی مسئولان به مردم

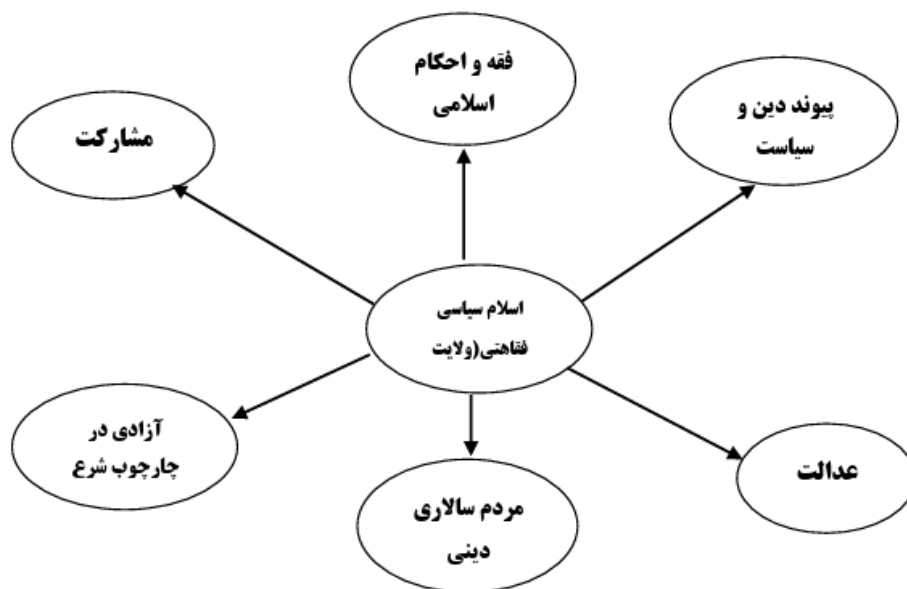
در دین مقدس اسلام نظارت یکی از سنت های الهی است که در قرآن کریم بارها مورد توجه قرار گرفته است. جالب است که «معاد» یکی از اصول دین مقدس اسلام، بر اساس اصل پاسخ گو بودن انسان ها است و شاید بتوان گفت معاد بهترین و کامل ترین نمود و جلوه پاسخ گویی است. اسلام به نظارت بر قدرت سیاسی و پاسخ گویی زمامداران و مدیران در برابر نهادهای قانونی و مردم نیز توجه اساسی کرده است (نجاری راد، ۱۳۹۶). از این رو امام خامنه ای (مدظله العالی) می فرماید: «نظام پاسخ گویی را برای خودتان متحمّس بدانید. واقعاً هر کدام از مسئولان از جمله وزیر در حوزه کار خودش، مدیران وزارتی در حوزه کار خودشان، معاونان هر کدام در حوزه کار خودشان پاسخ گو باشند. یعنی هم در برابر خطایی که انجام می گیرند، واقعاً پاسخگو باشند؛ هم در برابر کار لازمی که باید انجام می گرفته و انجام نمی گیرند، پاسخگو باشند.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸)

۶- ویژگی های منحصر به فرد نظام ولایی

۶-۱- تفاوت های نظام ولایی با سایر نظام های سیاسی

نظام ولایی تفاوت های بنیادینی با سایر نظام های سیاسی دارد که در چند محور قابل بررسی است. به عنوان مثال نگاه نظام ولایی درباره انسان در مقایسه با نظام لیبرالیسم تفاوت بنیادی دارد. در نگاه گفتمان- های غربی زندگی با مرگ پایان می پذیرد. اما در گفتمان ولایی، دنیا بخشی از حیات بشری است و مرگ آغاز حیاتی دیگر است. گفتمان های غربی نسبت به نیاز انسان به وحی بی اعتنا هستند، اما نظام ولایی به نیاز بر آن اصرار می ورزد. گفتمان لیبرالیسم نسبت به دخالت خدا در امور سیاسی بی تفاوت بوده، در صورتی که در نظام ولایی منشاء و مبداء خداوند است. تکریم انسان از نظر نظام ولایی در چارچوب عقل و شرع معنا می یابد اما در گفتمان لیبرالیسم، تکریم انسان در آزادی اوست، حتی اگر آن آزادی با فطرت و عقل مغایر باشد. فقط شرط آن است که به آزادی جامعه و دیگران ضرر نرساند. در گفتمان لیبرالیسم به دلیل ابتنای بر اومانیسم، کرامت بشر در انسان محوری است اما نظام ولایی کرامت و شرافت آدمی را در خدا محوری می بیند. بر مبنای اعتقادات اسلامی، مشروعیت نظام ولایی از جانب خداوند متعال است اما نسبت به تحقق و استقرار حکومت، این مسأله تماماً به پذیرش جامعه و مقبولیت مردم بستگی دارد. این مردم هستند که باید زمینه تحقق و استقرار این حاکمیت را فراهم کنند و تا مردم نخواهند نظام ولایی محقق نخواهد شد و حاکم در

اصل تأسیس حکومت هیچگاه متوسل به زور و جبر نمی‌شود بلکه نظیر همهٔ پیامبران و امامان تنها در صورتی که خود مردم به حکومت وی تمایل نشان دهند دست به تشکیل حکومت خواهد زد. در این مورد هم نظیر همهٔ احکام و دستورات الهی، مردم می‌توانند به اختیار خودشان آن را بپذیرند و اطاعت کنند و می‌توانند هم نافرمانی کرده، سرپیچی نمایند. البته در طول تاریخ مردم ملزم و مکلف بوده‌اند که به حاکمیت الهی و حکومت پیامبران و امامان تن دهند و حق حاکمیت آنان را به رسمیت شناخته و بپذیرند و اگر نپذیرند در پیشگاه خداوند گناهکار خواهند بود (زیادزاده و همکاران، ۱۴۰۳: ۷۱). شکل شماره ۱ صورت-بندی کلی گفتمان نظام ولایی را نشان می‌دهد.



صورت‌بندی گفتمان نظام ولایی (زیادزاده و همکاران، ۱۴۰۳: ۷۱).

حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای در بیان مقایسهٔ نظام ولایی با نظام سلطنتی و پادشاهی می‌فرماید: «ماهیت امامت، با ماهیت سلطنت، مغایر و متفاوت و مناقض است، این دو ضد هم‌اند. امامت، یعنی پیشوایی روحی و معنوی پیوند عاطفی و اعتقادی با مردم اما سلطنت، یعنی حکومت با زور و قدرت و فریب، بدون هیچ‌گونه علقه معنوی و عاطفی و ایمانی؛ این دو، درست نقطهٔ مقابل هم است. امامت، حرکتی در میان امت، برای امت و در جهت خیر است. سلطنت، یعنی یک سلطهٔ مقتدرانه بر علیه مصالح مردم و برای طبقات خاص برای ثروت‌اندوزی و برای شهوترانی گروه حاکم. امامت، یعنی آن دستگاہی که: (۱) عزت خدایی را برای مردم به وجود می‌آورد؛ (۲) علم و معرفت را به مردم می‌دهد؛ (۳) رفق و مدارا را میان آنها ترویج می‌کند؛ (۴) ابهت اسلام و مسلمین را در مقابل دشمن حفظ می‌کند؛ اما سلطنت و حکومت‌های جائرانه، نقطه‌ای مقابل آن است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۹/۰۱/۲۶).

۶-۲- کارکردهای خاص نظام ولایی

نظام ولایی دارای کارکرد مخصوص به خود است که مهم‌ترین آن‌ها مکتبی بودن، مردمی بودن و غیر تحمیلی بودن است. شهید بهشتی معتقد است جوامعی که مکتب محور هستند؛ یعنی جوامعی که در آن،

مردم در اولین گام و قبل از هر کار دیگری، مکتب و ایدئولوژی خود را انتخاب می‌کنند و با این انتخاب خود، در واقع اعلام می‌دارند که زین پس باید همهٔ امور، براساس این مکتب پیش برود. این انتخاب به شکل کاملاً آزادانه‌ای صورت پذیرفته و مردم این جامعه با اقدام اول خود، اقدامات بعدی را چهارچوب مکتب محدود کرده‌اند. فلذا به این نوع جامعه‌ها، جامعه‌های ایدئولوژیک یا مکتبی می‌گویند و بر همین اساس جمهوری اسلامی که یک نظام مکتبی است، با جمهوری دموکراتیک متفاوت خواهد بود. همچنین شهید بهشتی بزرگ‌ترین ویژگی نظام ولایی را مردمی بودن آن معرفی می‌کند و بیان می‌دارد که خصلت مردمی بودن انقلاب و متکی بودن انقلاب به تودهٔ مردم را باید حفظ کرد و حفظ این خصلت را بر هر مصلحت دیگری و هر کار خوب دیگری مقدم داشت تا جایی که مدیریت ملت و اداره مملکت، روز به روز بر خواست ملت و حمایت ملت بیشتر تکیه کند. از طرف دیگر مکتب اسلام و به تبع آن نظام اجتماعی و سیاسی اسلام، نظامی است بدون این که بر مردم تحمیل شود، چرا که در دیدگاه شهید بهشتی اعتقاد و باور اصولاً قابل تحمیل نیست و با زور و تهدید و اکراه یا تطمیع نمی‌توان عقیده‌ای را به دیگری منتقل ساخت یا از او سلب کرد و تنها بحث و استدلال و تجربه و تجزیه و تحلیل و اقناع و نظایر این‌هاست که می‌تواند وسیلهٔ ایجاد یا سلب عقیده باشد (داریوند، ۱۴۰۱: ۲۷۲ و ۲۷۳).

۷- چالش‌ها و راهکارها

۷-۱- موانع داخلی و خارجی

به‌طور کلی با توجه به بیانات مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (مدظله العالی) می‌توان موانع داخلی و خارجی پیش روی نظام ولایی را می‌توان در سه دستهٔ کلی دسته‌بندی کرد؛ ۱- تحمیل فشارهای خارجی (جنگ، تحریم و...) برای کند کردن حرکت نظام به سمت آرمان‌ها، ۲- موانع درونی و ۳- عدم اهتمام برخی از مسئولین به همهٔ آرمان‌های انقلاب (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۰۷/۲۲). امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در تشریح دستهٔ اول می‌فرماید: «اگر دشمن توطئه نمی‌کرد؛ اگر دشمن به رهبری استکبار جهانی و در رأسش آمریکای پلید و خبیث، علیه این مملکت فعالیت نمی‌کرد، خیلی از این کارها انجام شده بود. ما چند سال عقیم؛ اما دیر نیست». همچنین «اگر جنگ هشت‌ساله را بر ما تحمیل کردند، به خاطر این بود که ما دیرتر به بازسازی کشور و زنده کردن زمینه‌های عمران بپردازیم. استعمار و استکبار می‌دانند که اگر ملت ما به کمک مسئولان و گردانندگان و مدیران دلسوز کشور بتواند ایرانی آباد و آزاد بسازد و آحاد جامعه را کاملاً مرفه و برخوردار از عدالت اجتماعی و سایر ارزش‌های اسلامی کند و در زیر چتر شریعت مقدسهٔ اسلام نگهدارد، در آن صورت انقلاب بزرگ و شکوهمند ما به‌خودی‌خود و بدون آنکه کسی تلاش کند، به همهٔ کشورهای اسلامی صادر خواهد شد و الگوی دیگران قرار خواهد گرفت» (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۰۴/۱۸).

امام خامنه‌ای در مورد دستهٔ دوم یعنی موانع درونی می‌فرماید: «موانع درونی، ضعف‌هاست؛ ضعف‌های فکری است، ضعف‌های عقلانی است، راحت‌طلبی است، آسان‌گرایی است، آسان‌پنداری است؛ این گاهی اوقات خودش یکی از موانع تحقق آن چیز است. باید برآورد و تقویم نسبت به کار و مشکلات کار، مطابق با واقع یا

لااقل نزدیک به واقع باشد. آسان‌پنداری هم مثل آسان‌گیری و سهل‌انگاری است؛ آن هم یکی از موانع راه است. گریز از چالش هم یکی از ضعفهای درونی ماست. به گریز از چالش، به غلط می‌گویند عافیت‌طلبی. عافیت‌طلبی چیز خوبی است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴).

امام خامنه‌ای در مورد دسته سوم موانع و چالش‌ها نیز می‌فرمایند: اعتقاد جدی بنده این است که بسیاری از ناکامی‌های امروز ما در عرصه رسیدن به هدف‌های انقلاب و اداره مطلوب کشور، به‌خاطر کم‌اعتنایی به عدالت است. هرکدام از ما نسبت به خودمان اغماض می‌کنیم. اسم عدالت را می‌آوریم و به آن تحریض هم می‌کنیم؛ اما در مقام عمل نسبت به خودمان اغماض می‌نماییم (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵).

۷-۲- راهبردهای تقویت و توسعه نظام ولایی

مهم‌ترین راهبردهایی که برای توسعه و تقویت نظام جمهوری اسلامی مطرح است؛ تلاش برای دستیابی به جایگاه اول منطقه در ابعاد مختلف با استفاده از روحیه انقلابی و تفکر بسیجی، جمعیت جوان و پرانرژی، استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی به ویژه حوزه انرژی، بالا بردن ظرفیت ابداع علمی و فناوری و ... است. بنابراین با توجه به این راهبردها پیشنهاد می‌شود: نظام ولایی را به‌عنوان یک الگوی موفق مردم سالاری دینی از طریق انتقال تجربه چهار دهه مقابله با نظام سلطه از طریق نفی لیبرال دموکراسی و سایر مکاتب الحادی، به جهان معرفی کرد؛ مقابله با تهاجم فرهنگی دشمنان با استفاده از ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی، توانمندی نخبگان، وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی از طریق برجسته کردن هویت دینی و ملی و توجیه قشر جوان جامعه نسبت به آرمان‌های والای انقلاب اسلامی؛ خنثی کردن عملیات روانی و تبلیغاتی دشمن بر ضد رهبری و ولایت فقیه با استفاده از دیپلماسی عمومی؛ مقابله با ایجاد یأس و ناامیدی توسط دشمن، با استفاده از روحیه خودباوری و ترویج نشاط و امید در ملت؛ تردیدزدایی از اذهان جوانان نسبت به آرمان‌های انقلاب اسلامی؛ تدوین اصولی راهبردهای افزایش کارآمدی نظام جمهوری اسلامی، تدوین اصولی راهبردهای افزایش مشروعیت نظام جمهوری اسلامی، تدوین اصولی راهبردهای دستیابی به تمدن نوین اسلامی، انجام تحقیقات علمی برای ساخت و تولید تجهیزات نظامی راهبردی و آینده‌پژوهی تهدیدات نظام جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی دقیق قرار گیرد (حسینی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۷ و ۳۸).

نتیجه‌گیری

بررسی شاخص‌های نظام ولایی در اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای نشان می‌دهد که این نظام، بر اصولی همچون خاستگاه الهی حکومت، محوریت معیارهای قرآنی در گزینش و عملکرد مسئولان، مردم‌سالاری دینی و پیوند عمیق میان دین و سیاست استوار است. در این چارچوب، ولایت به معنای هدایت و سرپرستی جامعه در مسیر تحقق ارزش‌های الهی و قرآنی است و مشروعیت حاکمیت، ضمن تأکید بر نقش مردم، به نصب و اذن الهی وابسته است. این نظام با تأکید بر عدالت، تقوا، علم و شایستگی‌های الهی، الگویی متمایز از سایر نظام‌های سیاسی ارائه می‌دهد که در آن، مشارکت مردم و رعایت معیارهای الهی، ضامن پویایی و

کارآمدی حکومت اسلامی است. به طور کلی، اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای درباره نظام ولایی، تصویری جامع و کارآمد از حکمرانی اسلامی ارائه می‌کند که می‌تواند پاسخگوی نیازهای جامعه معاصر باشد.

پیشنهادهای

- گسترش آموزش و تبیین شاخص‌های نظام ولایی: لازم است شاخص‌های نظام ولایی و تفاوت‌های آن با سایر نظام‌های سیاسی، به ویژه برای نسل جوان، در قالب برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و رسانه‌ای تبیین و معرفی شود.

- تقویت مشارکت آگاهانه مردم: با توجه به جایگاه مردم در نظام ولایی، بسترهای مشارکت فعال و آگاهانه مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری و اداره جامعه بیش از پیش فراهم گردد.

- توجه به معیارهای قرآنی در گزینش مسئولان: در انتخاب و انتصاب مسئولان نظام، معیارهای قرآنی همچون عدالت، تقوا و علم به عنوان شاخص‌های اصلی مدنظر قرار گیرد.

- پژوهش‌های تکمیلی درباره نظام ولایی: انجام پژوهش‌های علمی و کاربردی پیرامون ابعاد مختلف نظام ولایی در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای و بررسی کارآمدی آن در مواجهه با چالش‌های عصر حاضر توصیه می‌شود.

- تقویت وحدت و همبستگی ملی بر اساس ارزش‌های ولایی: با تأکید بر آموزه‌های قرآنی و اصول نظام ولایی، همدلی و همکاری میان مردم و مسئولان تقویت شود تا جامعه بتواند با انسجام و اقتدار، مسیر تعالی و پیشرفت را طی کند.

کتابنامه

- ۱- ابراهیم‌زاده آملی، عبدالله (۱۳۹۴): منشأ مشروعیت ولایت فقیه از دیدگاه امام و رهبری «با بررسی دیدگاه‌ها در این زمینه»، فصلنامه حکومت اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۳ (۷۳)، ص ۸۱-۱۱۰.
- ۲- امام خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴): طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، چاپ پنجم، تهران، صهبا.
- ۳- خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات، دسترسی در سایت
- ۲۴- امام خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۱): ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- ۲۵- پرسمان دانشگاهیان (۱۳۹۱): شرایط حاکم اسلامی در عصر غیبت، فصل دهم، (www.porseman.com).
- ۲۶- جاویدی، رقیه و بهروزی لک، غلامرضا (۱۳۹۵): شاخص‌های نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای، فصلنامه سیاست متعالیه، شماره ۴ (۱۳)، ص ۸۳-۱۰۲.
- ۲۷- حاجی صادقی، عبدالله (۱۴۰۰): نقش ولایت محوری در استمرار نظام اسلامی و ولایی، پژوهش‌های سیاست اسلامی، شماره ۹ (۱۹)، ص ۴۳-۷۰.
- ۲۸- حاجی صادقی، عبدالله (۱۳۸۸): ولایت تجلی توحید ربوبی، پژوهش‌های فلسفی-کلامی، دوره ۱۱، شماره ۱ (۴۱)، ص ۲۳۳-۲۱۷.

- ۲۹- حبیب‌زاده، سجاد و پناهی آزاد، حسن (۱۴۰۲): تبیین و تحلیل ماهیت و ابعاد نظریه «فقه نظام ولایی، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۲۸(۱)، ص ۸۵-۱۱۲.
- ۳۰- حسینی، حسین، صبور، رضا و حاتمی، حمیدرضا (۱۴۰۰): ارائه راهبردهای حفظ و تداوم نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر افزایش اقتدار)، فصلنامه امنیت ملی، دوره ۱۱، شماره ۴۲، ص ۷-۴۲.
- ۳۱- خاتمی، سید احمد، دهقان، محمدحسن و مقیسه، رضا (۱۴۰۱): نقش نرم‌افزاری ولایت فقیه و فقه حکومتی در ایجاد تمدن نوین اسلامی، فصلنامه مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی، شماره ۲ (۳)، ص ۷۳-۵۲.
- ۳۲- داریوند، محمدصادق (۱۴۰۱): جایگاه و نقش مردم در استقرار و استمرار نظام امت و امامت در پرتو آراء شهید بهشتی، فصلنامه تمدن حقوقی، دوره ۵، شماره ۱۲، ص ۴۶۷-۴۸۷.
- ۳۳- درگاهی، مهدی (۱۳۹۹): مبانی فقهی «عزت»، «حکمت» و «مصلحت» در تعاملات بین‌المللی دولت اسلامی، فصلنامه حکومت اسلامی، دوره ۲۵، شماره ۲، ص ۱۰۰-۱۲۰.
- ۳۴- دفتر پژوهش‌های فرهنگی (۱۳۸۱): حدیث شکوفایی: بیانات مقام معظم رهبر انقلاب اسلامی در جمع جوانان، ج ۱، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی ظفر.
- ۳۵- راضی رستاقی، حمید (۱۳۹۲): نقش و جایگاه ولایت فقیه در مدیریت نظام جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه فرهنگ پژوهش، شماره ۱۶، ویژه علوم سیاسی، ص ۸۹-۱۱۸.
- ۳۶- زیادزاده، امیر، اشرفی، اکبر، مرتضویان، سید علی و درویش‌پور، حجت‌الله (۱۴۰۳): بررسی مقایسه‌ای جایگاه مردم در حکومت در گفتمان ایرانی لیبرالیسم و جمهوری اسلامی، فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، دوره ۱۴، شماره ۵۷، ص ۵۷-۸۸.
- ۳۷- سنچولی، دوستعلی، ابویسانی، ملیحه (۱۳۹۷): نقش قدرت و اقتدار سیاسی حکومت‌های اسلامی در شکوفایی تمدن نوین اسلامی، فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی، دوره ۴، شماره ۳ (۱۲)، ص ۹۵-۱۱۶.
- ۳۸- شاهی، غفار (۱۴۰۳): مبانی و ویژگی‌های جامعه ولایی در قرآن با تأکید بر آرای تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای، پژوهشنامه معارف قرآنی، شماره ۱۵ (۵۷)، ص ۱۰۱-۱۳۴.
- ۳۹- عبدی‌پور، حسن (۱۴۰۲): مرجعیت علمی قرآن کریم در حوزه حکمرانی از دیدگاه آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، خبرگزاری حوزه، (www.hawzahnews.com).
- ۴۰- عرب صالحی، محمد و پیشوایی، فریده (۱۴۰۳): کارکرد توحید اجتماعی در بازسازی تمدن اسلامی و الزامات آن با تأکید بر قرآن و اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، فصلنامه قیاسات، شماره ۲۹ (۱۱۱)، ص ۶۵-۴۵.
- ۴۱- عینی‌زاده، محمد و مؤدب، سیدرضا (۱۳۹۶): «نظام‌سازی در نگاه تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای»، مطالعات قرآن و حدیث، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۱۷۵-۱۵۳.
- ۴۲- فرمایشات مقام معظم رهبری در سایت (farsi.khamenei.ir).
- ۴۳- کریمی، ربابه و شفیعی دارابی، سیدحسین (۱۴۰۳): بررسی رابطه «حکومت» و «ولایت» در قرآن کریم از دیدگاه مقام معظم رهبری، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۲۹ (۲)، ص ۵-۳۲.

- ۴۴- مقیمی، غلامحسین (۱۳۹۹): ساختار حکومت اسلامی-ولایی و شبکه درونی آن (با تأکید بر دیدگاه امام خمینی(ره) و امام خامنه‌ای مدظله‌العالی)، فصلنامه فقه و سیاست، شماره ۱ (۱)، ص ۹۳-۶۱.
- ۴۵- منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹ق): دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه. چاپ دوم. بیروت: الدار الاسلام.
- ۴۶- موسوی، سیدهادی، دیرباز، عسکر و قدسی‌فر، نصیبه (۱۴۰۱): مبانی منشائیت و مشروعیت حکومت اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی، شماره ۲۶، ص ۸۷-۱۰۸.
- ۴۷- مؤمنی، عابدین، رستمی نجف آبادی، حامد و امیری، عبداللطیف (۱۴۰۱): شرایط و ویژگی‌های حاکم در فقه مذاهب اسلامی، دوفصلنامه فقه مقارن، شماره ۱۰ (۲۰)، ص ۵۴-۲۷.
- ۴۸- نجاری راد، تقی (۱۳۹۶): مسئله پاسخ‌گویی مسئولان نظام اسلامی به نهادهای قانونی و مردم، کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی/نهادسیاسی و اصول مدنی، جلد ۶، ص ۲۴۱.
- ۴۹- یوسفیان، نعمت‌الله (۱۳۸۳): خدمت رسانی از منظر اخلاق اسلامی، مجله حصون، دوره ۱، شماره ۱.

50- Aḥmad ibn Muḥammad ibn ‘Alī al-Maqrī Fayyūmī. (1414). Al-Miṣbāḥ alMunīr fī Gharīb al-Sharḥ al-Kabīr. Qom: Dar al-Hijrah.